گفت‌وگو با مرتضی سرهنگی، درباره ادبیات دفاع مقدس

ادبیات جنگ ادبیات مردمی است

رضا شعبانی
قفسه کتاب

سرهنگی با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت وهویزه نخستین جایی بود که به‌عنوان خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی پا به آنجا گذاشت و هرچه را دید، نوشت. او جنگ را با همه وجود درک کرده و به دنبال راهی بود که بتواند حس و حال جبهه‌ها و رشادت‌های رزمندگان را برای دیگران بازگو کند. در روزهای نمایشگاه فرصتی یافتم و هرچند کوتاه اما ارزشمند توانستم صحبتی با استاد سرهنگی داشته باشم که در ادامه آن را می‌خوانید.

آقای سرهنگی مساله‌ای که مطرح است یک دغدغه است و آن هم ارج نهادن به ادبیات پایداری است. این عرصه تاکنون چطور و چگونه بوده است؟

اجازه بدهید بیاییم گفت‌وگویمان را ساده کنیم و مصاحبه را به طرف مصاحبت برگردانیم. باید ابتدا عرض کنم خدمت‌تان، جنگ‌ها ادبیات و هنر دارند و کشورهایی که سایه هواپیماها را بر پشت بام خانه و کشتزارهایشان دیده‌اند بعد از جنگ شروع می‌کنند به نوشتن از این واقعه بزرگ . در جنگ پای انسان در میان است، برای همین این ادبیات هم همدمی جز انسان ندارد. ما هم صاحب این ادبیات هستیم و آن را به شکل یک دارایی ملی می‌دانیم و قطعا در نگهداری آن مصمم هستیم.

آیا از نظر کمی و کیفی هم این ادبیات جنگ در کشور ما کافی بوده است؟

ببینید جنگ‌های دفاعی مثل جنگی که داشتیم ذاتش مردمی است. مردم عادی وارد جنگ می‌شوند و آن‌طور که می‌توانند دفاع می‌کنند. جنگ که تمام می‌شود بعضی قلم وکاغذ برمی‌دارند وآنچه را دیده‌اند و در آن بوده‌اند و از آنچه بر آنها گذشته می‌نویسند. بعضی‌ها خوب می‌نویسند و بعضی شاید خوب ننویسند. ولی به هر شکل این ادبیات را مردم به وجود می‌آورند. دقت داشته باشید که این به وجود آمدن به معنی ساخته شدن نیست. ادبیات جنگ در جوامع جنگ دیده متولد می‌شود، چون جنگ یک رنج و امید بشری است و انسان‌ها این رنج و امیدشان را در این ادبیات برای ما می‌نویسند همان‌طور که رزمندگان ما برای ما نوشته‌اند. اگر بخواهم پاسخ سوال شما را بدهم باید بگویم ما هنوز در ابتدای راه ادبیات پایداری هستیم، رشدمان خوب بوده و پیشرفت خوبی داشته‌ایم وکتاب‌های خوبی منتشر کرده‌ایم. برخی از این کتاب‌ها در خارج از ایران به زبان‌های دیگرترجمه شده است که این نشان از رشد می‌دهد. این موضوع که ادبیات جنگ در کشورهای مختلف ترجمه می‌شود (مثل ما که زمانی ادبیات جنگ روسیه و آلمان و لهستان و ... را می‌خواندیم) دلیلی دارد، و دلیل عمده آن این است که دنیا می‌خواهد ببیند انسان‌هایی از جنس خودشان چگونه جنگ را تحمل می‌کردند. ببینید این وقایعی که در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد بالاتر از توان بشری است بنابراین انسان‌ها به چیزی در این میدان تکیه می‌کنند حالا آن چیز بستگی به اعتقاد و تفکر آنها دارد و با تکیه بر آن می‌ایستند و دفاع می‌کنند و آن رنج بالاتر از توان بشری را تحمل می‌کنند تا آنچه را که دوست دارند را از دست ندهند.

دیروز در نمایشگاه، کتاب خاطرات سردار صفوی با عنوان «یحیی» رونمایی شد. قبل‌تر از آن هم سردار صفوی کتابی داشتند با عنوان از جنوب لبنان تا جنوب ایران حالا این کتابی که دیروز منتشر شد ترکیبی از تاریخ شفاهی و تاریخ اسنادی است. کمی در این مورد برای ما توضیح دهید؟

کتاب یحیی کتابی است که جناب آقامیرزایی با زحمت زیاد از متن دو کتاب سردار رحیم صفوی و همسرشان با دقت استخراج کرده‌اند. ایشان یک زندگی‌نامه دقیق و مرتب و یک کتاب درجه اول را منتشر کرده‌اند. هم ایشان و هم همکارشان خانم محبوبه عزیزی، وقت زیادی برای این کار گذاشتند. این یک تجربه تازه‌ای بود که می‌تواند در جاهای دیگر اتفاق بیفتد و بدین شکل کارهای گروهی انجام بشود. مثل این کتاب که با محوریت آقای آقا میرزایی بود و بنده و خانم عزیزی هم در آن همکار ایشان بودیم. این شکل کارها اگر اتفاق بیافتد در سیر ادبیات جنگ با سیر خوبی روبرو خواهیم بود.

سوالی که الان می‌خواهم بپرسم نمی‌دانم درست است یا نه. چرا قبل از این کتاب از این تکنیک تلفیق تاریخ شفاهی و اسنادی استفاده نشده بود؟

خب این یک ایده بود که از طرف دوستان مرکز مطالعات مثل آقای قاضی و سردار نایینی مطرح کردند و جواب خوبی از طرف آقای آقامیرزایی گرفته‌اند که احتمالا بعد از این هم ادامه خواهد داشت.

دیروز در حاشیه رونمایی این کتاب حضرتعالی سوالی را مطرح کردید آیا کتاب‌هایی که در حوزه جنگ و ادبیات پایداری منتشر می‌شوند ارزش تمام جنگ را بیان می‌کنند؟ می‌خواهم خود شما پاسخ این سوال را به ما بدهید.

جنگ دو دستور زبان دارد، یکی دستور زبان عصر جنگ است که یک دستور زبان تبلیغی و حماسی و شورانگیز برای زمان جنگ است که برای متقاعد کردن مردم برای تحمل سختی‌هاست. دستور زبان عصر بعد جنگ یک دستور زبان تعقلی است. نظام رسانه‌ای ما هنوز از تبلیغ به تعقل نرسیده است و در همان تبلیغ مانده است که این برای ما آسیب پذیر بوده است. اما ادبیات نه، ادبیات راه و ذاتش جداست و ادبیات اگر پیش برود این قیمت را برای ما در می‌آورد که البته نه به این زودی‌ها. ما باید آثاری خوب مثل همین کتاب یحیی نوشته و منتشرکنیم . ببینید این کتاب یک آمیزه ای از جنگ و زندگی است و نکته دیگر اینکه مقاومت مـردان در خـطوط نـبرد مستلزم اسـتقـامـت زنـان در پشت جبهه است و اگر زنان این نقش خود را در پشت جبهه‌ها عمل نکنند مقاومت مردان هم در جبهه‌های جنگ پایدار نخواهد بود.

> در همه دنیا کشورهایی که جنگی را پشت سر گذاشته‌اند، ادبیات جنگ کشورشان را شکل می‌دهند و آن را جزو دارایی خود می‌دانند تا هر نسلی که می آید چیزی به آن اضافه کند و آیندگان بر اساس آن رمان بنویسند. دنیا برای ادبیات مقاومت احترام قائل است، چون هر کشوری این ادبیات را به‌قیمت از دست دادن جوانانش به‌دست می‌آورد

می‌خواهم همین جا گریز بزنم و به سوم خرداد و آزادسازی خرمشهر بروم . خیلی ها و در راس آنها خود شما چند نوشته در موضوع خرمشهر دارید. این اهمیت خرمشهر برای چه چیزی است و چرا اینقدر این رویداد برجسته شده‌است؟

دنیای قدرتمند یک باوری را در ما به وجود آورده بودند که ایرانی‌ها نمی‌توانند از خاکشان دفاع کنند، آن هم شاید برای قراردادهای استعماری پادشاهان پیشین بود که ایران را قطعه قطعه کرده بودند. تا حدودی این باور در بخشی از مردم هم نفوذ کرده بود. با آزادسازی خرمشهر به این باور غلبه کردیم و فهمیدیم می‌توانیم از خاکمان دفاع کنیم. این خوشحالی آزادسازی خرمشهر دو وجه داشت که یکی همین آزادی خرمشهر بود و دیگری ایجاد این باور که ما می‌توانیم از میهنمان دفاع کنیم. که این باور تا الان هم وجود دارد. خرمشهر از همین رو مظهر مقاومت است و این نقطه خودباوری هم از انقلاب شروع شده بود و در خرمشهرمجال گرفت. در واقع سوم خرداد باعث شد گم شده‌مان را پیدا کردیم، قدرت و توانمان را شناختیم و با توکل بر خدا توانستیم خرمشهر این قالیچه زیبا را از زیر پای سربازهای عراقی بیرون بکشیم.

شما در عملیات آزادسازی خرمشهر بودید؟

من در اولین مرحله عملیات به‌عنوان خبرنگار بودم، بعد وقفه ای افتاد که ما باید به دفتر روزنامه برمی‌گشتیم . در این وقفه بود که خرمشهر آزاد شد و ما هم شروع کردیم به کار کردن روی خبرها و عکس‌های خرمشهر در روزنامه.

آقای سرهنگی تفاوت ادبیات جنگ ایران با جهان را در چه می‌دانید؟

این یک بحث مفصل است. در این فرصت هر چه بگوییم ناقص می‌شود. ولی این را بدانید ادبیات جنگ در همه جای دنیا یک ادبیات انسانی است که در هر کشور هم رنگ و بوی خودش را دارد. نمی‌شود گفت این مقایسه درست است یا نه؟ ولی خب این ادبیات در همه جهان بوده است و نویسندگان بزرگی داشته که خودشان در جنگ‌ها بودند و بعدا حتی نوبل ادبیات گرفته‌اند.

چرا بیشتر روایت‌های جنگ درباره چهره‌های سرشناس جنگ است در حالی که همه مردم نقش داشته‌اند؟

این‌طور نیست و ترکیب این دو مورد وجود دارد. اگر شما به کتابخانه تخصصی جنگ در حوزه هنری بیایید از همه قشری کتاب وجود دارد، چون ذات این ادبیات جنگ، ادبیات مردمی است!

